موضوع: بررسی مبانی معرفت شناسی در اجتهاد علم کلام

**معرفت شناسی در کلام اسلامی**

مباحث معرفت‌شناسی در آثار متکلمان اسلامی، به دو صورت مطرح شده است: در برخی از آثار کلامی، این مسائل در ابواب مختلف و مرتبط با مبحث علم و ادراک، مانند مبحث نفس شناسی مطرح شده است. تجرید الاعتقاد، کشف المراد، شوارق الالهام، شرح التجرید و ارشاد الطالبین از این دسته‌‌اند. و در برخی دیگر، علاوه بر مباحث متفرقه‌ای که در ابواب مختلف مطرح شده، در ابتدای آنها به عنوان مباحث مقدماتی در باره مسائلی از معرفت‌شناسی بحث شده است. در حقیقت آنان به جایگاه و نقش بنیادی معرفت‌شناسی در مباحث فلسفی و کلامی توجه داشته‌‌اند، بدین جهت آن را در مطلع آثار کلامی خود قرار داده‌‌اند، روشی که علامه طباطبایی در «اصول فلسفه رئالیسم» به کار گرفته است.

در این جا برخی از این آثار و بحثهای معرفت شناختی مطرح شده در فصول یا ابواب اغازین آنها را باز می‌شناسیم:

1. قاضی اوبکر باقلانی، مباحث خود در کتاب «تمهيد الاوائل و تلخيص الدلائل» را با بحث درباره علم و اقسام و احکام آن آغاز کرده، سپس به بحث درباره اقسام دلیل و استدلال پرداخته است[[1]](#footnote-1).

۲. قاضی عبدالجبار معتزلی، نیز در کتاب «شرح الأصول الخمسة» قبل از بحث درباره خداشناسی و دیگر اعتقادات دینی، درباره نظر، فکر، علم و اقسام و احکام آن بحث کرده است.[[2]](#footnote-2)

٣. بحث درباره نظر و علم، نخستین مباحثی است که امام الحرمین، در کتاب «الارشاد» خود به آنها پرداخته است؟ [[3]](#footnote-3)

۴. کتاب «العقائد النسفية» که متنی است موجز در کلام ماتریدیه، با بحث درباره وجود حقایق عینی (رد عقیده سوفسطائیان) و ابزارها و راههای شناخت حقایق عینی، آغاز شده است. و سعد الدين تفتازانی در «شرح العقائد النسفية» آنها را شرح کرده است.[[4]](#footnote-4)

۵. ابومعين نسفی (از متکلمان ماتریدی) نیز کتاب خود «تبصرة الأدلة في أصول الدين» را با بحث درباره علم، اقسام و راه‌های تحصیل معرفت و نقل و بررسی دیدگاه‌ها در این باره آغاز نموده است .[[5]](#footnote-5)

۶. فخرالدین رازی، رکن اول کتاب «المحصل» را به مباحث مقدماتی اختصاص داده و سه مبحث مقدماتی را مطرح کرده است:

مبحث اول درباره علوم اولیه در زمینه تصورات و تصدیقات است. درباره تصورات دو دیدگاه را بررسی کرده است، دیدگاهی که همه تصورات را بدیهی میداند، و دیدگاهی که برخی از تصورات را بدیهی و برخی دیگر را کسبی می‌داند. و درباره تصدیقات، پس از بیان این که تصدیقات به دو دسته بدیهی و کسبی تقسیم میشوند، درباره ارزش معرفتی آنها چهار دیدگاه را نقل و بررسی کرده است: ١. بدیهیات و حسیات اعتبار علمی دارند. 2. حسیات فاقد اعتبار علمی‌‌اند. ٣. حسیات را معتبر دانسته و به اعتبار بدیهیات قائل نیستند. 4. سوفسطائیان که هیچ یک از حسیات و بدیهیات را معتبر نمی دانند.

مبحث دوم، درباره فکر و نظر و احکام آن است. مبحث سوم، درباره دلیل و اقسام و احکام آن است.[[6]](#footnote-6)

٧. ابواسحاق نوبختی، در کتاب «الياقوت في علم الكلام»، مباحث کتاب را با بحث درباره نظر، علم و دلیل آغاز کرده است و به

صورت موجز به برخی از مسائل مطرح شده درباره آنها پرداخته است.[[7]](#footnote-7)

۸. علامه حلی، در کتاب «انوار الملكوت في شرح الياقوت» مباحث یاد آمده در «الياقوت» را شرح و بررسی کرده است . [[8]](#footnote-8)

٩. ابن میثم بحرانی، در آغاز کتاب «قواعد المرام في علم الكلام» بحث‌های مهمی را درباره علم (تصور و تصدیق)، فکرو نظر و راه های کسب معرفت، دلیل و اقسام و احکام آن مطرح کرده است.[[9]](#footnote-9)

۱۰. در اولین موقف از مواقف ششگانه کتاب «المواقف في علم الكلام» و نیز در کتاب «شرح المواقف»، بحث‌های مهم و گستردهای درباره تعریف علم، علم تصوری و تصدیقی، ضروری و کسبی، اقسام علوم ضروری، نظر و احکام آن - که همگی صبغه معرفت - شناختی دارند - مطرح شده است. شارح مواقف در آغاز این مبحث گفته است: «متکلم ناگزیر است که درباره ماهیت علم، انقسام آن به ضروری و کسبی، ثبوت علوم ضروری که علوم دیگر به آنها منتهی می‌شود، احوال نظر و مفید علم بودن آن، و طریقی که نظر در آن واقع می‌شود و به مطلوب می‌رسد، تحقیق کند، زیرا با این مباحث می‌تواند به اثبات عقائد و مباحث دیگری که عقائد مبتنی بر امهاست، دست یازد».[[10]](#footnote-10)

۱۱. فاضل مقداد، لامع اول از کتاب «اللوامع الالهية في المباحث الكلامية» را به بحث درباره نظرو احکام آن، و دلیل و اقسام آن اختصاص داده است؟ [[11]](#footnote-11)

۱۲. سيف الدين أمدی، کتاب «ابكار الافكار في أصول الدين» را با مباحث مربوط به علم، نظر و راه‌های تحصیل معرفت آغاز کرده و مسائل مهمی را به تفصیل بررسی نموده است؟[[12]](#footnote-12)

۱۳. سعدالین تفتازانی، دو فصل از مقصد اول کتاب خود را که در باره مبادی علم کلام است، ب مباحث مربوط به علم و نظر اختصاص داده است؟ [[13]](#footnote-13)

**5. روش شناسی معرفت‌شناسی**

معرفت شناسی، دانشی است عقلی، یعنی با بهره گیری از تفکر و تحلیل عقلی، مسائل مربوط به شناخت که بحث درباره آنها بر عهده این دانش است را مورد پژوهش قرار می‌دهد. از باب مثال، این مسأله که آیا معرفت به واقعیتهای عالم امکان دارد یا نه؟ و این که دستیابی به معرفت یقینی در توان انسان است یا نه؟ و این که ملاک صدق و کذب یا حقیقت و خطا چیست؟ و محدوده و قلمرو معرفت انسان کدام است؟، همگی مسائلی که باید با تفکر و تحلیل عقلی مورد بررسی قرار گیرد، و روش نقلی یا حسی و تجربی در آن راه گشا نمی باشد.

آری، ممکن است بحثهایی از علوم دیگر، در معرفت‌شناسی کارایی داشته باشد، و آن بحثها با روش تجربی بررسی شوند، مانند قوای ادراکی و درونی نفس که در معرفت‌شناسی به عنوان ابزارهای معرفت به شمار می‌آیند، اما این که انسان دارای چنین قوای ادراکی درونی می‌باشد، از مسائل نفس شناسی تجربی است.

بحث درباره تحولات تاریخی معرفت و مکاتب و آراء معرفت شناسانه‌ای که در تاریخ علم بشر مطرح است، اگر چه از مسائل اصلی معرفت‌شناسی نیست، ولی پژوهش جامع و بررسی و نقد آراء معرفت شناختی، چنین بحثهایی را لازم دارد. روشن است که روش این گونه مباحث، نقلی است نه عقلی

حاصل آن که روش معرفت شناسی، اولا و بالذات، عقلی و تحلیلی است، اما ثانية و بالعرض يا بالتبع، از روشهای تجربی و نقلی نیز بهره می‌گیرد.

چند نکته:

1. برای اجتهاد در علم کلام، سه پایه و مقدمه لازم است: علم منطق، معرفت شناسی و هستی شناسی. قبل از ورود به مباحث خداشناسی، ابتدا باید مباحث هستی شناسی مانند علت و معلول و نیز مباحث معرفت شناسی مطرح شود.

2. با علم فلسفه نمی توان مخالفت کرد اما با نظرات فلاسفه می توان مخالفت داشت. همه علوم این گونه است و با اصل این علوم نمی توان مخالف بود. آنچه احیانا مورد نقد و نظر قرار می گیرد منهج ها و نظریاتی است که در آن علم مطرح می شود. این اصل اولیه در همه علوم است، زیرا علم و معرفت بما هو، امری مطلوب است. آری، به عنوان ثانویه ممکن است علمی که برای برخی یا همه پیامد بدی دارد، حرام شود، کما اینکه ممکن است برخی از علوم به جهت مصالحی برای برخی واجب شود.

3. فلاسفه مباحث معرفت شناسی را در بخش های مختلف کتب خویش مطرح کردند، اما متکلمان جایگاه مباحث معرفت شناسی را مشخص کرده و آن را طلیعه کتاب های خویش آورده اند.

4. اسلام دین جامعی است و هیچ بن بستی در آن راه ندارد. اگر کسی خلاف این را بگوید در حقیقت، فکر خودش دچار بن بست شده و فرافکنی می کند.

5. می توان سرفصل های مباحث معرفت شناسی را در آیات و روایات مورد تتبع قرار داد. از باب نمونه در روایت آمده است زندیقی که منکر وجود خدای متعال بود خدمت امام صادق (ع) آمد و با ایشان به بحث پرداخت. امام از وی سوال کرد: آیا تا کنون به آسمان ها رفته ای و از آنجا خبر داری؟ گفت: خیر. فرمود: آیا داخل زمین شده ای و از احوال آنجا خبر داری و می دانی در آنجا چیزی هست یا نه؟ گفت: خیر، خبر ندارم شاید چیزی باشد یا نه. امام فرمود: اما من هم از آسمان ها و هم از زمین خبر دارم. بعد فرمود: «لَيْسَ لِمَنْ لَا يَعْلَمُ حُجَّةٌ عَلَى مَنْ يَعْلَمُ وَ لَا حُجَّةَ لِلْجَاهِلِ عَلَى الْعَالِمِ يَا أَخَا أَهْلِ مِصر»[[14]](#footnote-14). اکنون که تو نمی دانی و من می دانم، تو باید سخن مرا گوش کنی.

قاعده مهمی که حضرت در اینجا بیان فرموده در موارد زیادی جاری می شود. مثلا یقین داریم که خداوند حکیم است و خلافی از او سر نمی زند. اکنون اگر فردی به اعتراض بگوید چرا خداوند سوسک ها را خلق کرده است، و فایده آن ها چیست؟ پاسخ این است که شما که نمی دانید حجتی نسبت به عالم در این زمینه ندارد و نمی توانید اعتراضی کند.

شیخ انصاری در بحثی که با صاحب فصول داشتند همین مساله را بیان فرمودند که با احتمال نمی توان یقین را کنار زد. این اصلی معرفت شناسانه است که بیان می دارد مثلا متشابهات با آمدن محکمات کنار می رود نه اینکه محکمات به خاطر متشابهات زیر سوال رود. برخی به اشتباه برعکس عمل می کنند و دچار خطا می شوند. مثلا روایت متشابهی را دیده اند که در آن آمده است امیرالمومنین (ع) استانداری را نصب کرد و بعد گفت در انتخاب او اشتباه شدم. او این روایت را گرفته است اما روایات فراوان محکمی که دلالت بر عصمت آن حضرت است را نادیده گرفته است.

ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. 1. نگارش آیت الله جوادی آملی. ۲. نگارش آیت الله سبحانی. ٣. همان. ۴. نگارش آیت الله مصباح یزدی ۵. نگارش آیت الله مکارم شیرازی. ۶. نگارش آیت الله محمدتقی جعفری. ۷. نگارش آیت الله شهید سید محمدباقر صدر. ۰۸ تقریرات بحثهای دکتر مهدی حائری. ۹. آثار دیگری نیز توسط برخی از فضلای معاصر در زمینه معرفت‌شناسی چاپ و نشر شده است که «معرفت شناسی در فلسفه اسلامی» و «معرفت شناسی در فلسفه غرب» نگارش حسن معلمی، و «پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر» و «جستاری گسترده در ژرفای معرفت‌شناسی نگارش محمد حسین زاده، از آن جمله است. ۱۰ . تمهيد الاوائل و تلخيص الدلائل، ص۲۵ -۳۱. [↑](#footnote-ref-1)
2. شرح الأصول الخمسة، ص۱۹ - ۲۵. [↑](#footnote-ref-2)
3. الارشاد الى قواطع الادلة في اصول الاعتقاد، ص۷-۱۲. [↑](#footnote-ref-3)
4. شرح العقائد النسفية، ص۸-۱۹ [↑](#footnote-ref-4)
5. تبصرة الأدلة في أصول الدين، ج۱، ص۱۲۵ -۱۵۲. [↑](#footnote-ref-5)
6. ر.ک: المحصل، ص۲۵-۷۳. [↑](#footnote-ref-6)
7. ر.ک: الياقوت في علم الكلام، ص۲۷ -۲۹ [↑](#footnote-ref-7)
8. انوار الملكوت، ص۲-۱۷. [↑](#footnote-ref-8)
9. ر.ک: قواعد المرام، ص۲۱۰-۳۷. [↑](#footnote-ref-9)
10. ر.ک: شرح المواقف، ج ۱، ص ۶۱-۲۹۱. [↑](#footnote-ref-10)
11. اللوامع الالهية، ص۸۱-۸۶ [↑](#footnote-ref-11)
12. ابكار الافکار، ج۱، ص۱۵- ۱۴۳. [↑](#footnote-ref-12)
13. شرح المقاصد، ج ۱، ۱۸۷- ۲۸۵. [↑](#footnote-ref-13)
14. الاحتجاج، طبرسی، ج2، ص 334 [↑](#footnote-ref-14)